

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز

۰۳ جولای ۲۰۱۷

وایم تا ته راخی ماته !

خدمت جنابان هریک غلام حضرت کربلانی و آقای محترم عبدالمجید منگل.

این چه شوریست که در دور قمر می بینم همه آفاق پر از فتنه و شر می بینم
اسپ تازی شده مجروح به زیر پالان طوق زرین همه درگردن خر می بینم

در سایت افغان جرمن آنلاین یک تن بی هویت، مجهول الهویت دلباخته، نوکر و چاکر سازمان سپاه پاسداران خمینی و خامین ای، به نام غلام حضرت از جمله برادران اهل تشیع قندهاری ما باید لب های مردم را ماچ و باید قربان و صدقه نورمحمد تره کی، امین و کارمل شود، به خاطری که وی بعد از به قدرت رسیدن نورمحمد تره کی، خالق یگانه لاتری و قرعه این بینوای پا برهنه را به اسم این آقا کشیده و وی را مقیم کشور سویدن اروپا، ساخت. این شخص مجهول الهویت هیچ تصور نمی کرد که وی یک وقت کشور سویدن اروپا را در خواب هم ببیند چی رسد به آن که مقیم این کشور شود و از ولگیر و کمک های کفری آن کشور تغذیه و مستفید شود، در زبان پشتو ضرب المثلی است که می گوید (مستی د میری خوی زغمی) به این معنی کسانی که جهان دیده و به درسترخوان پدر، در خانه پدر، کلان شده، نه در کوچه و جویچه مانند این مجهول الهویت و بی هویت خود را گم نکردند آنها هر قدر و به هر اندازه که زندگی شان خوبتر و بهتر به طرف بهبود می رود متواضع تر می گردند و از جفنگیات دوری می جویند. و در هر موضوع مثل غلام حضرت خان کربلانی، این غلام خمینی ها، خامینه ای ها و رفسنجانیها مداخله بیجا نمی کند. غلام حضرت سویدنی در طول زندگی گذشته از عقده ها و حقارتها که در نهاد و ضمیر وی موج می زند و از آن رنج می برد، اینگونه اشخاص مریض و علیل به خاطر این که خود را به نحوی از این فشارها و رنج ها رها کرده باشد مثل مگس دوغ در لب هر پیاله دوغ نشسته لب هر پیله را بوسیده و دو دست خود را به شکل اظهار بینوائی و افسوس با هم می ساید ولی مردم دانا به اشاره دست و زبان به این گونه مگسهای کثیف و میکروبدار، خمینی، خامینه ای و سپاه پاسدار (کیشی) یا گم شو می گویند. تا زمانی که این مگسهای کثیف و میکروبدار و پر از تعفن به روی و پشت خود یک سیلی جانانه عمری نخورد اصلاح نمی شود.

این شخص علیل، مریض و عقده ئی که در لب ماچ کردن مثل نظریات بی باکانه شان مهارت بسزائی دارد، این خود به علیل بودن و مریض بودن وی دلالت می کند، یک مثل است که می گوید. (خوی خوی خو عادت نه خوی) نظر به این ضرب المثل اگر این فرد علیل و مریض روانی صد سال دیگر هم در اروپا زندگی کند، از این مرض بمرگی و مزمن خلاصی ندارد. الهی میلیون بار شکرگذار تو ام که مردم پکتیا در ولایت پکتیا اینگونه افرادی که آغشته به این مرض مزمن لب ماچی گرفتار است نداریم.

اگر خوانندگان گرامی به نوشته های کج و پیچ این جناب بی هویت و غلام صفت هم عقیده وی خمینی و خامنه ای متوجه شده باشد وی همیشه در ضدیت به مذهب سنی از تأسیسات اخوندی ایرانی شیعی در افغانستان پشتیبانی و قدردانی می نماید ولی به عکس از کمک های کشورهای سنی مذهب ندامت نشان می دهد، این شخص مجهول الهویت از مرکز جاسوسی سپاه پاسداران ایران به نام مرکز امدادی امام خمینی و مدرسه محمدیه شیخ آصف محسنی که به پول سپاه پاسداران ایران و هدایت مستقیم خمینی و خامنه ای مانند لانه جاسوسی ایران در جوار سرک دارالامان بنا یافته، هیچ وقت و در هیچ نوشته خود ذکر نمی نماید، ولی از تأسیس یک پوهنتون بزرگ اسلامی که به کمک کشور عربستان سعودی در تپه مرنجان و ننگرهار ساخته می شود اظهار تأسف می نماید و آن را به نام مرکز وهابیت یاد می کند، این شخص بی هویت و بی بیوگرافی در ضدیت به شهید داوودخان گاهی لبان نورمحمد تره کی را گاهی لبان حفیظ الله امین را گاهی لبان گلبدین و گاهی لبان مزاریها، محققها و گاهی از بهتوها و امثال آنها را ماچ می کند.

این شخص توظیف شده سازمان سپاه پاسداران خمینی لعنت الله گاهی در سایت سلطنت پرستان ظاهر می شود و گاهی در سایت (افغان جرمن آنلاین) چرندیات می نویسد که این خود به بی سوگی و بی دانشی این شخص علیل و مریض روانی و عقده ئی دلالت می کند.

اگر من از آقای جناب غلام حضرت خان سؤال کنم که آیا واقعاً اعضای سپاه پاسداران ایران و رهبران آن سپاه مانند خمینی و خامنه ای، محسنی ها و لعلی های مزاری و محقق ها و کشتنندها طرفداران خاندان سلطنتی افغانستان هستند؟ جواب روشن است که نی، ابداً نی.

جناب آقای غلام حضرت خمینی، بلی من این را خوبتر می دانم که در سایت حواریون و دوستان سلطنت؟ یعنی سایت آریانا سایت خلیلی ها سقاوی، سایت ملکپاریها و میوندوالها که افغانستان را برنج دیردون خطاب می کرد و دیوارهای قصر شاهی سلطنتی افغانستان را به کلنگ های فولادین از بیخ و بنیاد تخریب می کرد، سایت عبدالرحیمزیا که قبر نظام سلطنتی را می کند، سایت ملالیها که پدر بزرگوار شان غازی امان الله خان را در مقابل یکمقدار پول هنگفت ترور می کرد، سایت عباسی های نیم چه محمدزی، و و . بین افراد آن سایت و یکعده عقده ئی های بی هویت و مجهول الهویت مثل غلام سپاه پاسداران جناب غلام حضرت و دیگران یک نوع بازی دبل رول جریان دارد، این گروههای متضاد و مخالف به این فکر اند که آنها یک دیگر خود را به ضد مخالفین خود استعمال می کنند، ولی غافل از آن اند که آنها به این گونه تصورات و خیالات واهی و تزویری بی باکانه قبر خود را به دست خود می کند و دیگران هر روز از روز دیگر به اهداف شوم آنها پی می برند.

هموطن کربلانی غلام حضرت خان.

خداوند را زیاد شکر گذارم که دلباخته مرد میدان مرد پاک سرشت و پاک نهاد و وطن دوست جناب شهید معظم سردار محمد داوود خان هستم نه دلباخته خمینی، خامنه ای، رفسنجانی و سپاه پاسداران ایرانی.

آقای غلام حضرت، من یک افغان سچه و اصیل این دیار و بوم هستم، وطن آبائی خود را مانند مردمک چشم خود دوست دارم، به هیچ نوع فشارحاضر نخواهم شد که یک بلست خاک وطن خود را فدای منافع کشورهای ایران، روس،

امریکا و پاکستان و یا جای دیگر سازم ، افغانستان ملکیت اجداد من است برای من یک هموطن صادق افغانی که افغانستان را مثل مادر وطن دوست داشته باشد و منافع ملی کشور ما را بالاتر از منافع ایران و خمینی ها بداند و رهبر کشور خود را از خمینی کرده با شرافت تر و با وقار تر بداند، قابل احترام دانسته به وی به حیث برادر احترام می کنم ولی به آن عده افراد که منافع ملی افغانستان را قربان منافع ایران خمینی ها می سازد آشتی ناپذیرم ، از خمینی پرستان ایرانی نفرت دارم ، نزد من یک افغان بیسواد وطن پرست از یک باسواد وطن فروش و ایرانی مشرب و بیگانه پرست زیاد شرف دارد.

جناب کربلائی غلام حضرت. بی عقل را دیده بودم نه به این اندازه که شما. جناب پا برهنه آقای غلام حضرت، غلام خمینی ! را ندیده بودم، محترماً در نوشته من، که من در آن نوشته خود از شهکاریهای نصیر حق شناس ذکر نموده بودم صرف به خاطر وضاحت موضوع که برادر محترم من جناب داکتر عبدالواحد حیدری در آن شخص یعنی آقای نصیر حق شناس در نوشته خود به آن اشاره نموده بود من هم به خاطر وضاحت زیاد تر موضوع ، به علت و انگیزه نوشتن کتاب نصیر حق شناس اشاراتی داشتم. ولی شما غلام حضرت خان به جای آن که جمله اول نوشته من را مدنظر بگیرید که من چی نوشته بودم، شما مثل افراد کور و کر بیجا و بی مورد درباره نوشته من ابراز نظر جاهلانه و عقده مندانه نمودید.

جناب غلام حضرت مالموئی سویدنی. شما آن کس نیستید که سال گذشته در دریچه نظر سنجی افغان جرمن آنلاین نوشتید که من به سردار محمد داوود خان احترام دارم ، وی یک شخصیت پاک نفس و صادق بود ولی مخالفت من از زمانی شروع شد وقتی که وی به قندهار آمد، وی تنها به مقبره میرویس خان رفت و به مقبره احمدشاه بابا نرفت اصلاً مشکل شما و امثال شما از همین جا نشأت می کند این که حاجی میرویس خان یگانه رهبر عالیقدر افغان بود که گورگین ایرانی را به زانو درآورد، شما به همین علت از وی نفرت دارید. پشتیبانی شما از احمدشاه بابا در مقابل میرویس نیکه در اینست، که، در دربار حاجی میرویس خان نوکران و جاسوسان ایرانی وجود نداشت ولی به عکس در دربار لوی احمد شاه بابا از نصف زیاده تر هم کیشها و هم عقیده های شما حضور داشت ، افسوس و صد افسوس به شما و به این نظر بی شرمانه، بی باکانه و پیش پا افتاده و طفلانه شما. شما به خاطر نرفتن مرحوم محمد داوودخان به مقبره احمدشاه بابا آن هم به خاطر ضیق وقت وی شما به آن مرد میهن دوست و فداکار چی لعب نیست که از دهن بویناک و تعفن دار تان نثار آن مرد خدا پرست و وطن دوست نساختید.

جناب کربلائی غلام حضرت خان خمینی .

عبدالمجید منگل حق دارد هر چیزی که دلش خواسته باشد اظهار نظر نماید، ما هم حق داریم که بالای تبصره وی تبصره نمائیم من شخصاً در مورد چک سفیدی که اصلاً یک شایعه بود که از طرف مخالفین سردار محمد داوودخان آنهم به خاطر کوبیدن حکومت داوودخان از طرف یک عده افراد مغرض سلطنت طلب، و اعضای حزب دیموکراتیک خلق ، چنانچه شخص نور احمد نور و اسلم وطنجار در وقت شهید نمودن جنابان هر یک شهید وفی الله سمیعی وزیر عدلیه و شهید سید وحید عبدالله معاون وزارت خارجه که هر دوی شان در سفر عربستان سعودی مرحوم سردار محمد داوودخان را همراهی می کردند بودند. در آن شب که نور احمد نور آقایان هر یک شهید وفی الله سمیعی وزیر عدلیه و شهید سید وحید عبدالله را به شهادت می رساندند از طرف نور احمد نور به شهید وفی الله خان سمیعی و شهید سید وحید عبدالله در حضور داشت جنرال پادشاه میر خان گفته شده بود. جناب جنرال صاحب پادشاه میر این موضوع را در رادیوهای بین المللی مانند صدای امریکا و رادیو بی بی سی و به شخص خودم و به جناب آقای انجنیر احسان الله مایار چندین بار در کابل تذکر داده. حالا اگر جناب داکتر صاحب عبدالواحد حیدری از گفته محترم جنرال پادشاه میر خان نقل

قول نموده حق به جانب است به خاطری که جنرال پادشاه میر در آن شب این کلمات را از زبان نور احمد نور شنید. ولی این را هم به جرأت گفته می توانم که هیچ کس نمی تواند این کلمه و یا این جمله چک سفید را در کدام بیانیۀ داوودخان، اخبار پشتو و دری رادیو افغانستان، اخبار دولتی آنوقت به نام جمهوریت و یا هم از زبان کدام دوست و همکاران سفر مرحوم شهید سردار محمد داوودخان شنیده باشد، مثل است که می گوید (شنیدن کی بود مانند دیدن) این که جناب آقای مجید منگل امروز آن شایعۀ چک سفید را رد می کند کاری خوب می کند. ولی در مورد این که وی می گوید که مرحوم شهید محمد داوودخان شخص نادان، بیکاره و از دیپلوماسی بوئی نمی برد مرتکب گناه کبیره می شود. جناب کربلائی آقای غلام حضرت. وقتی که اینجانب در نوشته خود عنوانی جناب داکتر عبدالواحد حیدری در بارۀ نوشته آقای منگل نوشتم و اذعان نمودم که من به تبصرۀ آقای مجید منگل کار ندارم باید می دانستی که در آن موضوع که جناب عبالمجید منگل تماس گرفته چنانچه من در اول نوشته خود نوشته بودم که من به نوشته منگل کاری ندارم، لازم نبود که شما قلم فرسائی کنید، شما اگر کمکی عقل و فهم در سر و کله بی مغز تان می داشتید به ان نیم سطر نوشته من قناعت می کردید ولی چی کنم، **د مکی په بزرگی کښی هیڅ شک نشته. ولی.....** او یا.

پوهه ټوله راوتلی له مغزو ده هسی نه چی په دا ډیرو کتابو ده

جناب کربلائی . وقتی که شما از نوشته اشخاص برداشت درست کرده نمی توانید، مربوط به درک و ادراکات شما است، یک نصیحت برادرانۀ اینجانب را بشنوید، به این طرز تفکر و رفتار عجولانه و نوشته های نیش دار و دو رویه نمی توانید از خود یک شخص مطرح بسازید شما ، تا زمانی که بالای عقدۀ حقارت خود پای ننمائید همیشه در بین مردم و دوستان شرمنده و خجالت زده خواهید بود.

آقای غلام حضرت خان. اگر به اسناد دورۀ شش سالۀ جمهوریت مراجعه نمائید از روز تأسیس اولین جمهوریت تا روز سرنگونی آن یعنی ۷ ثور ۱۳۵۷ کشور عربستان سعودی از یکصد و پنجاه میلیون دالر زیادتر در پروژه های عمرانی و انکشافی دولت جمهوری افغانستان کمک نموده، ۶۵ میلیون دالر در پروژه بند سلما، ۴۵ میلیون دالر در پروژه مسلخ هرات که آن مسلخ به تمام کشورهای عربی گوشت تهیه می کرد، در جریان سفر شهید محمد داوود خان تمام کمک های کشور عربستان سعودی مربوط به احداث پرژۀ های عام المنفعه شد و در حین جریان مذاکرات زعمای هردو کشور به این نتیجه رسیدند تا وزرای هردو کشور به خاطر کسب و جلب کمکهای کشور عربستان سعودی باهم دید و وادیدهای دایمی داشته باشد. در آن سفر مرحوم داوودخان کشور عربستان سعودی بیست میلیون دالر کمک بلاعوض نمود. به هر صورت، سؤال اساسی من از جناب آقای مجید منگل اینست؟ که جناب آقای منگل چی انگیزه ای باعث گردید که شما بعد از سی سال قلم را برداشته و درمورد سیاست و روش حکومتداری و مسایل دیپلوماتیک مرحوم محمد داوودخان قلم فرسائی نمودید، شما به کدام منطق محمد داوودخان را یک شخص بی معلومات و فاقد دانش دیپلوماتیک، و یک شخص بدون تعقل و بدون یک خط مشی ملی و دیپلوماتیک وانمود ساختید.

تا جایی که به من معلوم است یک عده بزرگان و دانشمندانی که در امور دولت داری و حکومت داری افغانستان موهای سر خود را در سیاست و مسایل ملی و سیاسی وطن خود سفید نموده لیل و نهار و مشکلات فروان را متقبل گردیده، آنها به درایت فهم و دانش دیپلوماتیک مرحوم محمد داوودخان در مسایل ملی و بین المللی به وی لقب یک سیاستمدار با پرئسیپ، شهرت یافته ملی و بین المللی داده، چنانچه محترم عبدالرحمان پژواک، مرحوم داوودخان را، یک سیاستمدار زیرک، باهوش، بافهم با درایت، با حوصله، ذکی و انعطاف پذیر خطاب نموده، ولی شما به عکس جناب پژواک بزرگ مرحوم محمد داوودخان را یک شخص فاقد این صفات دانستید، در اینجا نزد من چی، بلکه نزد دیگران سؤالها پیدا

شده. آن این که یا شما در باره شهید محمد داوودخان دروغ و جفنگ می گوئید، و یا خدای ناخواسته محترم عبدالرحمان پژواک و دیگر بزرگان افغان و خارجی.

جناب محترم عبدالمجید منگل.

شما در نوشته تان تمام کابینه مرحوم محمد داوودخان را افراد بی کاره وانمود ساختید، به نظر من این گونه قضاوت تان یک قضاوت غیرمنصفانه و غیر عادلانه است، تا جایی که من می دانم تمام وزیران کابینه شهید محمد داوودخان به غیر از یکی دو نفر که سطح تحصیل و تجربه شان از دیگر وزیران کابینه آن وقت کم بود و هم سویه شما و کمکی باتجربه تر و بلند تر از شما بودند آنها با وجود کمی تحصیل خود سطح جهان بینی شان، فهم و درایت و دلاوری و صداقت شان از شما کرده بلندتر و خوبتر بوده به طور مثال:

۱- داکتر عبدالمجیدخان وزیر عدلیه و وزیر دولت ، ۲- پوهاند وفی الله سمیعی وزیر عدلیه، ۳- پوهاند داکتر عبدالرحیم نوین وزیر اطلاعات و کلتور. ۴- پوهاند عبدالقیوم وردگ وزیر معادن و صنایع وزیر معارف و وزیر سرحدات، ۵- پوهاند غلام صدیق محبی وزیر تحصیلات عالی، ۶- پوهاند داکتر محمد نادر عمر و پوهاند سکندر وزیران صحت عامه، ۷- انجنیر جمعه محمد محمدی وزیر آب و برق، ۸- انجنیر عبدالنواب آصفی وزیر معادن و صنایع، ۹- انجنیر عبدالکریم عطائی و انجنیر عبدالحمید محتاط وزیران مخابرات، ۱۰- انجنیر پادشاه گل وزیر امور سرحدات شخص مناسب به آن مقام، ۱۱- عبدالقدیر نورستانی صاحب منصب پولیس و لیسانس فاکولته اکادمی پولیس اولین فرد مسلکی در امور وزارت داخله، در نظام شاهی اکثر وزیران داخله یا معلمین و یا انجنیران و یا لیسانسه های رشته ها و مسلک های دیگر بودند، ۱۲- دگر جنرال غلام حیدر رسولی در نظام شاهی رئیس ارکان قوای چار و قوای پانزده زره دار پلچرخی، همچنان رئیس ارکان فرقه خوست و مزار شریف و در زمان جمهوریت دو سه سال به حیث قومندان قوای مرکز یک سال به حیث لوی درستی و بعداً به حیث وزیر دفاع ملی، ۱۳- سید عبدالاله فارغ التحصیل پوهنخی اقتصاد وزیر مالیه، ۱۴- داکتر محمدحسن شرق ده سال به حیث رئیس دفتر صدراعظم و بعداً به حیث معاون صدارت، داکتر شرق در ده سال ریاست دفتر صدارت تجارب زیاد اداری را آموخته بود. ۱۵- سید وحید عبدالله دیپلومات و رزیده و با تجربه به حیث معاون وزارت خارجه، ۱۶- عزیز الله واصفی وزیر زراعت درجه تحصیل لیسانس شخص فهیده سخنور ادیب منور و شخصیت قومی و ملی بود. ۱۷- یگانه وزارت که در زمان شهید سردار محمد داوودخان در اوایل جمهوریت برای یک و یا یک و نیم ماه بی وزیر مانده آن وزارت تجارت بود. که بعداً وزیر آن به نام محمد خان جلالر توظیف شد، محمد خان جلالر توسط محترم جناب آقای سردار سلطان محمود غازی به شهید محمد داوود خان پیشنهاد شده بود. محمد خان جلالر در زمان سلطنت نیز وزیر کابینه سلطنتی بود، در آن وقت یعنی زمان سلطنت مقرر محمد خان جلالر هیچ باکی نداشت در آن وقت خیر خبریت باشد هیچ چیزی نشده حالا شما جناب منگل صاحب محترم ، شرافتمندانه بگوئید که شما در قضاوت خود در مورد کابینه جمهوریت محمد داوودخان، و تجارب کاری محمد داوودخان از قومندان حربی بنونخی گرفته تا قومندان قوای مرکز، والی ولایت قندهار، سفیر، وزیر داخله، وزیر حربیه، صدراعظم و بالاخره رئیس جمهور وظایف بس حساس و خطیر را ایفا نموده، آن مرحوم چی در عرصه امنیت ، دفاع و دیپلوماسی و در مورد فهم و دانش دیپلماتیک وی، شما آقای محترم منگل مرتکب اشتباه نشده اید؟ به نظرم بسیار زیاد و از حد و اندازه زیاد شده اید، لطفاً از روح پاک آن شهید بزرگوار و والامقام عفو بخواهید.

جناب بزرگوار محترم منگل صاحب .

لطفاً به این سؤال من خدای به جات جواب بگوئید نه به خاطر خشنودی منو یا این و آن. این که:

اگر در لیل ۷ بر ۸ ثور ۱۳۵۷ کودتا حزب دیموکراتیک خلق ناکام می گردید و دولت دوباره بر اوضاع مسلط می گردید، و تمام محرکین آن کودتا مجازات می شدند و به کیفر اعمال ضد ملی می رسیدند، فکر نمی کنید که مخالفین محمد داوودخان این را در بین مردم تبلیغ نمی کرد و یا چنین نمی گفتند که این یک درامه ساختگی از طرف محمد داوودخان بود که وی به پیاده کردن این گونه سناریو به نام کودتا مخالفین سیاسی، و روشنفکران را قلع و قمع نمود، به هر صورت.

سؤال من از شما اینست اگر، ۵ یا شش سال بعد محمد داوودخان به مرگ طبیعی فوت می کرد و بعد از فوت وی یک شخص بزرگوار دیگر به قدرت می رسید و آن شخص هم تمام کارهای محمد داوودخان را به مثل محمد داوودخان به پیش می برد، و بعد وی هم به مرگ طبیعی و یا توسط انتخابات جای خود را به شخص سوم واگذار می نمود و رهبر سوم هم مانند دو رهبر قبلی عین پالیسی محمد داوودخان را تعقیب و در کشور امنیت عام و تام می بود و کشور به سطح خود کفا می رسید در آن وقت قضاوت تان مثل قضاوت فعلی می بود و یا به عکس قضاوت امروزی تان.

جناب محترم عبدالمجید منگل، شما در یک سفر مرحوم شهید محمد داوودخان اشتراک نموده بودید ولی برادرم عبدالمجید باز، در تمام سفرهای رسمی مرحوم محمد داوودخان حضور داشتند، یگانه کشور مسلمان عربی که مرحوم محمد داوودخان از آن ناراضی و دست خالی به وطن برگشت آن کشور، کشور لیبیا بود، برادرم عبدالمجید باز سرباز مرحوم محمد داوودخان از آن سفر چنین حکایت نمود. وقتی که طیاره ما در میدان طرابلس لیبیا بر زمین نشست طبق طرز العمل دیپلماتیک پیشروی زعیم و رئیس جمهور یک کشور زعیم و یا رئیس جمهور کشور مهماندار می رود و پیشروی صدراعظم، صدراعظم کشور مهماندار، زمانی که ما از طیاره در میدان هوایی طرابلس پایان شدیم دیدیم که معمرالقذافی حضور ندارد، وی عوض خود معاون خویش را به نام عبدالسلام جلود روان کرده، وقتی که محمد داوودخان این صحنه را دید متأثر شد هنگامی که عبدالسلام جلود در موتر همراه محمد داوودخان و بنده یکجا نشست، و وی مایان را تا اقامتگاه ما، ما را مشایعت کرد، به مجرد داخل شدن ما در اقامتگاه آنها ترتیبات یک عصریه و چای را گرفته بودند، بعد از صرف چای و عصریه که تقریباً پانزده دقیقه را در بر گرفت بعد از آن برای چند دقیقه هیأت افغانی باید دست و روی خود را تازه می کردیم عبدالسلام جلود از داوودخان اجازه گرفت و گفت که بعد از پانزده دقیقه معمرالقذافی رئیس حکومت لیبیا به دیدن شما می آید، وقتی که عبدالسلام جلود از سالون خارج شد مرحوم داوودخان به سید وحید عبدالله معاون وزارت امور خارجه هدایت داد هر وقتی که معمرالقذافی به دیدن من آمد برایشان بگوئید که من سر درد هستم و نمی توانم وی را ببینم و شما برای فردا سفر لیبیا را کنسل نمائید و به سفارت افغانی در ترکیه در تماس شوید تا آنها ترتیبات سفر سه روز غیر رسمی را بیگیرند. برادرم علاوه نمود که بعد از پانزده دقیقه قذافی به اقامتگاه آمد سید وحید عبدالله به وزیر مهماندار لیبیائی خاطر نشان ساخت که فعلاً وضع صحی رئیس جمهور ما خوب نیست وی رهبر شما را دیده نمی تواند وی همچنان به وزیر مهماندار لیبیا خاطر نشان ساخت وقتی که وزیر مهماندار لیبیا تصمیم داوودخان را به معمرالقذافی ابلاغ نمود وی برای پانزده دقیقه خود را این طرف و آنطرف همراه هیأت افغانی سپری ساخته بعد از پانزده دقیقه ناگذیر سالون را ترک کرد. فردا به وقت معینه پرواز ما به طرف ترکیه آماده شد وقتی که ما به طرف میدان طرابلس حرکت می کردیم دیدیم که معمرالقذافی خود را به میدان هوایی رسانید و از نیامدن خود به پیش روی داوودخان در میدان هوایی طرابلس از محمد داوودخان معذرت خواست، ولی شهید محمد داوودخان با غرور افغانی که داشت به قذافی چنین گفته، تشکر از مهمان نوازی تان، ما افغانها در مهمان نوازی شهرت بین المللی داریم. همان بود که بعد از صرف یک چای مختصر در لابی سالون (وی ای فی) میدان طرابلس محمد

داودخان بطرف طیاره خود روان و به قذافی وداع نمود نمی دانم جناب آقای مجید منگل از این جریان خبر دارد یا نه. به هر صورت.

زمانی که مرحوم محمد داودخان از یک سفر خارجی به کشور بازگشت نمی دانم در یکی از ولایات کشور هرات یا قندهار وی یک توقف یک روزه نمود وی در آن توقف یک روزه خود با بزرگان آن ولایت دیدن نمود و در یک گردهمایی کلان با شهریان آن ولایت یک بیانیه فی البداهه ایراد نمود که به گرمی زیاد از طرف هموطنان استقبال گردید، وی در آن خطابه خود چنین فرمود « برادران و خواهران، من در هر کشور که استقبال شدیم آن استقبال به خاطر محمد داود نبود بلکه آن استقبال به خاطر شما و ملت بزرگ افغان بود. »

در اخیر کلام به آقای غلام خمینی جناب غلام حضرت خاطر نشان می سازم این که ، هموطن کربلایی! شما در این سی یا چهل سال گذشته کدام کاره نبودید لطفاً به اندازه سویه و موقف اجتماعی تان گپ بزنید کوشش کنید گامهای تان را از اندازه خود زیادتیر و فراخترنگذارید نشود خدای ناخواسته پریشان حال شوید، کوشش کنید هر چی زودتر چهره ات را با بیوگرافی ات اگر داشته باشی به ما و هموطنان تان شریک سازید تا ما و هموطنان تان در باره تان قضاوت درست و سالم نمائیم. در غیر آن به گفته ایرانیان. تمام گپ هایتان شیر است. خودت می دانی گل من باید بدانی ، مطمئن باش پیدات می کنم تا چی وقت از هموطنانت خود را پنهان می کنی. من تا شهر مالمو سویدن به پشت تان خود را رساندیم.

ختم

۶ / ۲۰۱۷ / ۳۰

یادداشت:

از آن جایی که بارها تذکار داده ایم که سایتک استخبارات المان موسوم به "افغان جرمن - آنالین" هیچ هدفی به جز بقای خود جهت ادامه خدمت به اجانب و دشمنان افغانستان ندارد و همیشه کوشیده است تا به عناوین مختلف بین مردم افغانستان، نفاق و برادرکشی را دامن بزند، لازم نمی بینیم بیشتر به ارتباط سیاست حاکم بر آن سایت مکث نمائیم، به جای آن، وظیفه خود می دانیم تا توجه شما خوانندگان عزیز من جمله نویسنده این مقاله را به نکات آتی معطوف بداریم:

۱ - برای ما در مقطع کنونی یعنی از آغاز حاکمیت مزدوران روس در افغانستان بدین سو، نه کمک عربستان سعودی برای افغانستان بر مبنای خیر خواهی و خدمت به مردم ما می باشد و نه هم کمک ایران.

هر دو کشور نامبرده، به شدت تلاش دارند تا از اوضاع آشفته کشور در موجودیت حاکمیت بیگانه پرستان حد اکثر سود را برده تا جایی که برای شان امکان دارد، پایه های قدرت و نفوذ خودشان را از طریق ایجاد نفاق و شقاق بین مردم ما مستقر سازند. بناءً از نظر ما تمام پروژه های آنها چه از جانب شیخ آصف محسنی عملی گردد و یا از جانب سیاف ها و دولت دست نشانده افغانستان، تماماً و بدون استثناء در ضدیت با منافع والا و دراز مدت مردم ما قرار داشته، از پایه و اساس قابل تقبیح و نکوهش می باشد.

۲ - وقتی طرح قرضه و یا کمک و از این و یا آن کشور مطرح می گردد، نباید در دام قرینه سازی های تاریخی افتاده، موقعیت دولت و حاکمیت دولتی دیروز را بدون مقایسه با اوضاع فلاکتبار کنونی که کشور ما با تأسف تحت اشغال و استعمار کشور های امپریالیستی دست و پای زده، نبرد مرگ و زندگی در آن جریان دارد، نادیده گرفته بر مبنای قرائین تاریخی دیروز، عملکرد امروز اداره مستعمراتی کابل را توجیه نمائیم.

یعنی وقتی به گرفتن قرضه ها و یا هم کمکها فکر می نمائیم، نباید حاکمیت مستقلانه رئیس جمهور "داوود" را نادیده گرفته و حکم به خوبی و یا بدی کمک از این و یا آن کشور در مقطع کنونی صادر نمائیم. چه همان طوری که آقای "باز" نیز به تفصیل نگاشته اند، در حالی که رئیس جمهور "داوود" به یک اجنبی اجازه نمی داد تا برایش بگوید که بر بالای بینی اش مگسی نشسته، آنهایی که امروز از جانب استعمار به مثابه زمامدار در افغانستان گماشته شده اند، بدون استثناء همه کسانی اند وطنفروش و ناموسفروش. با در نظر داشت این تفاوت فاحش، نباید هیچ گاهی به خود و یا به دیگران اجازه دهیم تا با سوء استفاده از قرینه های تاریخی، وطنفروشی های شان را سابقه و اصالت ببخشند.

اداره پورتال- AA-AA